



۲۰۲۰/۰۳/۱۹

دوکتور محمد اکبر یوسفی

خطر جنگ انتقام جویانه!

این اظهاری است، که درست به تاریخ ۱۵ سپتمبر ۲۰۰۱م از زبان یگانه سفیر فعال "طالبان" در اسلام آباد، نشر شده است. این نویسنده، در مقالات قبلی خود هم، تأکید نموده است، که ترکیب "طالبان" در مرحله اول و مرحله دوم تفاوت های زیادی نشان می دهد که طرز العمل آنها از نومبر ۱۹۹۴م تا دسمبر ۲۰۰۱م، "فکت" های وسیع در دست می دهد.

تذکر سؤال ماندنی را که مجله "مصور" آلمانی زبان، به نام "فوکوس" (Focus)، به تاریخ ۷ اکتوبر ۱۹۹۶م بدست



نشر سپرده است، نویسنده می خواهد، آنرا حضور جناب داکتر زلمی خلیل زاد مطرح کند، که ممکن از دعوت "هیأت طالبان" از جانب "یونوکال" نیز واقف بوده باشند، و هم احتمال دارد که حتی برای "حامد کرزی" هم در زمان "مهاجرت او در پاکستان" وظیفه "مشاور یونوکال" را ممکن ساخته باشند و هم خانم "بی نظیر بوتو" که حکومت او "قاتلین بعدی اش" را، به نام "طالبان" سازمان داده اند، ممکن در تقرر "حامد کرزی" به حیث "نماینده خاص" ملا محمد عمر "در سازمان ملل متحد نیز، نقش داشته بوده باشد و اقلأ سر شور داده باشد.

وقتی آقای داکتر زلمی خلیل زاد، امروز پس از انجام "موفقانه مذاکرات" خود با "طالبان" در "دوحه"، سخن می زند، باید

بدانیم که ایشان با چه نوع «طالبان» مذاکرات را به انجام رسانیده اند. همه می دانند که در تحت یک کتگوری وسیعی از تنظیم های «جهادی»، در همکاری با "پاکستان" و ایالات متحده و سایر متحدان آنها، شهرت کسب کرده اند. آنها با «پاکستان» در مبارزه "علیه کمونیزم"، با ایالات متحده، متحد بوده اند. داکتر زلمی خلیل زاد، حال از "سیاستمداران" متحد افغان خود، که در اضافه از چهار دهه به "ایالات متحده" وفادار بوده اند، شکایت دارند، کمتر حاضر بوده اند، که از سیاست "دو روی" پاکستان" و ایالات متحده در رابطه با افغانستان، در "بحران" بیش از چهل سال، حرف های کاملاً صادقانه بزبان آورد. جناب داکتر زلمی خلیل زاد! مردم ما، می گویند: "خود کرده را پشیمانی نیست."

"فوکوس" در تحت عنوان "قرآن و مخدره" در ۷ اکتوبر ۱۹۹۶م، ضمن آنکه گزارش داده است، در عین حال می پرسد: **چرا ایالات متحده امریکا، حکومت طالبان را با احتیاط، مثبت ارزیابی کرده است، و روسیه آنرا رد می کند.**

پس از ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱م، در حقیقت امر در تحت نام "طالب افغان" کدام تشکل سازمانی، بطور خالص بنام افغان وجود خارجی نداشته است. در تحت نام "شورای کویته" بعضی افراد شامل ساخته شده اند. که از جمله می توان "ملا برادر" و یا به سطح پائینتر "شیر محمد عباس ستانکزی"، "عبدالسلام حنفی"، و هم "شاهین" و غیره را نامید.



The Taliban cannot hope to match US firepower

پس از حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، زمانی که جانب امریکا از طالبان تسلیمدهی "اوساما بن لادن" را می طلبند، مشرف مدعی می شود که گویا، آنها می دانسته اند که "اوساما بن لادن" در حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م دست داشته است (از چه وقت ببعد؟) و به همین علت، "عبدالستار" وزیر خارجه را به قندهار نزد ملا محمد عمر می فرستد، تا ملا عمر را "قانع" سازد که "اوساما بن لادن" را تسلیم دهد. ملا محمد عمر جواب رد داده است. این جواب را یگانه سفیر شناخته شده «طالبان»، نیز از سفری که به قندهار انجام داده بود، به ژورنالیستان خبر داد.

یک منبع دیگر از زبان "ترکی الفیصل"، که زمانی رئیس استخبارات "عربستان سعودی" بوده است، نقل می کند که گفته است: "طالبان قبلاً" به ارتباط بمب گذاری ها، در سفارت های ایالات متحده در افریقا، حاضر بوده اند، تا "اوساما بن لادن" را به "حکومت عربستان سعودی" تسلیم دهند، که اقدام



(«ملا محمد ربانی»، صدر اعظم طالبان در کابل با «عبدالستار، وزیر خارجه پاکستان»)

ایالات متحده مبنی بر "فیر راکت ها" در زمان حکومت "کلنتن" بر قرارگاه "القاعده"، این پروسه را، برهم زده است. زمانی که "عبدالستار" از قندهار بر می گردد، و اظهار می دارد که گویا نتوانسته است، "ملا محمد عمر" را "قانع" سازد، در حالی که "پاکستان" فقط یگانه کشوری بوده است، که تا "آخرین لحظات" روابط دیپلماتیک خود آنها را با "امارت اسلامی" حفظ نموده است.

عربستان سعودی و امارات متحده عرب، قطع مناسبات دیپلماتیک را چندی قبل، اعلان کرده بودند.

وقتی شایعات و اخبار حمله تلافی جویانه و "انتقامگیرانه"، با شدت و وسعت شنیده می شود، "ملا محمد عمر" درست

Saturday, 15 September, 2001, 20:57 GMT 21:57 UK

Taliban threatens to retaliate



Afghans are streaming out of the capital, Kabul

به تاریخ ۱۵ سپتمبر ۲۰۰۱م به "مسلمانان جهان" مراجعه می کند و می گوید که به عنوان وظیفه اسلامی آنها، باید از افغانستان دفاع کنند و در عین زمان کشورهای را (هدف ظاهری پاکستان) به انتقامگیری تهدید می کند، در صورتی که از "امریکا" و متحدان حمایت کنند. ازین تاریخ ببعده، آشکارتر از هر وقت دیگر، سیاست "فریب" و "دوگانه" پاکستان آغاز می یابد، که سیاستمداران "واشنگتن" را هم به این "ویروس" ملوث می سازند و آنها را در نوعی از وابستگی، نگه

می دارند، که گویا بدون پاکستان، حل "بحران" افغانستان ممکن نیست. از یکطرف طوری که در پایان این تصویر می بینید، باشندگان کابل از "شهر" در حال فرار اند و از جانب دیگر رهبران "طالبان" در افغانستان از "بنیادگرایان اسلامی" پاکستان می خواهند، تا جنگی، برای آنها، جهت مقابله با قوای امریکائی و خارجی، بفرستند.

در یک اعلامیه وزارت خارجه، طالبان گفته اند، که امریکا به "بهانه حضور بن لادن" می خواهد بر افغانستان

"حمله" کند. "با در نظر داشت این وضعیت جاری، از تمام خارجی ها می خواهند، تا افغانستان را موقتاً ترک گویند." در پایان این تصویر می خوانیم: **"طالبان نمی توانند توقع داشته باشند که با قوت آتش ایالات متحده، رقابت کنند."** از زبان شخصی به نام "مطمئن"، که از او به نام سخنگوی معتبر طالبان یاد کرده اند، گفته شده است که "افغان ها حاضر اند، هر نوع قیمتی را بپردازند، تا از خود دفاع کنند..." پاکستان که یک سرحد ۲۵۱۰ کیلومتر با افغانستان دارد، همیشه قوی ترین "حامی" طالبان بوده است. این کشور شامل فقط سه کشوری بوده است، که رژیم طالبان را، برسمیت شناخته است. سفير طالبان، ملا ضعیف گفته است: **"خطر جنگ انتقام جویانه"**



Zaeef: Threat of war of reprisal «ضعیف: خطر جنگ انتقام جویانه»

ملا عبدالسلام ضعیف سفير طالبان ، هم چنان گفته است که: «هرگاه کدام کشور همسایه ما در منطقه به ایالات متحده در حمله بر ما کمک کند، باعث جرقه های خطر خارق العاده خواهند شد.»

یکی از مشخصات "افراطیت اسلامی" را می توان در تعدادی از سازمان های خورد و بزرگ مشاهده کرد. در منطقه اطراف افغانستان پیروان مکتب "دیوبندی" از شهرت بخصوص برخوردار می باشند. آقای حقانی گفته است که: "پیروان تفکر و اندیشه دیوبندی، اعتبار برسمیت شناختن را رد می کند و یا نا کارآمد بودن هر آنچه که از غرب نشئت می کند هم رد می کنند و هر چیزی که در عنعنات اسلامی ضروری نیست، نمی پذیرند." گزارشات می رساند که این گروه ها، از زمانی که "طالبان"، ۹۰ فیصد کنترل خاک افغانستان را در دست گرفته اند، بیشتر مهم شده اند. در هر دو "جمعیت علمای اسلام" و "طالبان"، بیشتر پشتون ها مسلط اند. گروه "ایتنی" ای که در مناطق سرحدی پاکستان – افغانستان زندگی دارند. اما "جماعت اسلامی پاکستان" یک حزب بزرگ مذهبی دیگری است، که در سراسر کشور پخش است.

احزاب "اسلامی" عمدتاً "سنی" بر گروه های مذهبی ای که در تحت نفوذ و در ارتباط با "تنظیم های جهادی" مستقر در پشاور قرار گرفته اند، بیشتر در زیر سایه افراطیت "پاکستانی ها" پناه برده اند. طوری که همین گزارشگر می نویسد، "جماعت اسلامی پاکستان"، بیشتر متمایل و وابسته به "وهابیزم" بوده، نوع اسلام ای که در عربستان سعودی

Page last updated at 02:09 GMT, Friday, 19 February 2010

[E-mail this to a friend](#)

[Printable version](#)

Pakistan's push for new role in Afghanistan

(«پاکستان برای نقش جدید در افغانستان فشار می آورد.»)



Mullah Baradar's arrest has coincided with the Nato push in the Marjah area of Helmand province in Afghanistan

By Lyse Doucet, BBC News

(«بزداشت ملا برادر، با فشار "ناتو" در ساحه "مرجه" واقع در ولایت هلمند افغانستان، همزمان بوده است. "لیز دوست". "بی بی سی". «.)



“America is history, Karzai is history, the Taliban are the future”
(«امریکا تاریخ است، کرزی تاریخ است، طالبان آینده است.»)

Former ISI head Gen Hamid Gul

(«رئیس سابق "آی اس آی" جنرال حمیدگل»)

عملی می گردد. حزبی است که با "اخوانیت" اسلام پیوند داشته، می خواهد اسلام خالص را احیاء نمایند.

"جنرال حمیدگل"، که یک زمان رئیس "آی اس آی" و از او به عنوان مؤسس طالبان نیز یاد کرده اند، گفته است که: **"ملت گرانی (نیشنلیزم) پاکستان، ریشه اسلامی دارد."** بناء کسانی که اسلام را بر طبق تعبیرات رهبران احزاب "اسلامی" پاکستان می پذیرند، در حقیقت "راسیزم اسلامی" پاکستان و بدینترتیب "ناسیونالیزم پاکستانی" را به عنوان "انترناسیونالیزم اسلامی" می پذیرند، درنهایت "حامی"، "طالب"، "داعش" و اشکال مختلف افراطیت می گردند، که با اسلام به حیث دین آسمانی، نمی تواند یکی شناخته شود. دو حزب مذهبی بزرگ پاکستان، «جماعت اسلامی» و «جمعیت علمای اسلام» پاکستان، با درجن هایی از گروه های کوچک مذهبی دیگر، درست پنج روز قبل از آغاز عملیات "سینتکوم" ایالات متحده و متحدان آن (دوم اکتوبر ۲۰۰۱م)، متحدانه «کمیتة دفاع افغانستان» را تشکیل داده

اند، تا از طالبان دفاع کنند. این احزاب اسلامی رهبری جنگ علیه امریکا را بدست گرفته اند. در مرحله بعد از دسمبر ۲۰۰۱م، وقتی بعد از کنفرانس «بن»، حکومت جدید بعد از سقوط طالبان، در کابل قدرت را بکمک جامعه بین المللی در دست می گیرد، تشکل «طالب» ماهیت اولی خود را از دست می دهد. این عکس العمل در زمانی صورت گرفته است، که مشرف رئیس جمهور پاکستان، بنابر سیاست استوار بر دروغ و ریا، مدعی شده بود، که گویا "آنها" می دانسته اند، که "بن لادن" در حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م، دست داشته است. بناءً خوب باید دقت شود که در تحت نام طالب، که پس از سال ۲۰۰۳م، دوباره با سازماندهی متفاوت و با طرق دیگر، به جنگ ادامه داده اند، در حقیقت از نام «طالب افغان» کار گرفته شده است. حال وقتی با تعمق سطور کوتاه این تصاویر را از نظر بگذرانیم، ممکن متوجه شویم که چرا، آقای داکتر زلمی خلیل زاد، زیاد به «پاکستان» سفر می کرده اند.

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

خطر جنگ انتقام جویانه!

Yusufi_akbar_۶۴_khatar_jang_inteqam_joyana.pdf